

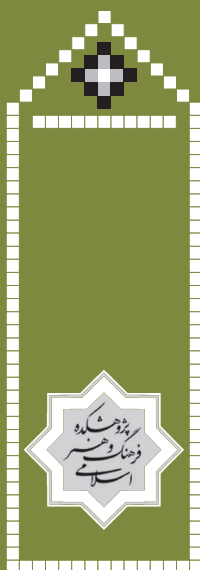
## اسماء الوحيين



بررسی پدیده‌ها و نهادهای فرهنگی

# تجربه‌نگاری جهاد

محمد رضا مالکی بروجنی



نشانی:  
تهران، خیابان سمیه،  
حوزه هنری، پژوهشکده  
فرهنگ و هنر اسلامی  
کد پستی: ۱۵۹۹۷۱۹۵۱۳  
شماره تماس: ۹۱۰۸۸۲۷۱



پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی

بررسی پدیده‌ها و نهاد‌های فرهنگی

؛ تجربه نگاری جهاد

محمد رضا مالکی بروجنی

ناظر علمی: محسن دنیوی

ویراستار: سید حسام‌الدین حقیقیان

طراح جلد و گرافیک: صادق جمالی

صفحه‌آرا: احمد الهی

چاپ اول: ۱۴۰۱

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک دوره: ۹-۱-۹۶۲۲-۹۲۵۸۰-۱-۹۷۸

شابک جلد: ۳-۳-۹۶۲۲-۹۲۵۸۰-۳-۹۷۸

نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

شماره تماس نشر پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی: ۰۹۱۰۸۱۰۲۴۲۸

## فهرست مطالب



۸ پیشگفتار پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی



۱۰ پیش درآمد

۱۶ پیشینه نگاری

۱۸ هدف روایت جهاد

۱۹ روش روایت جهاد

۲۳ روایت هجرت جهادی



۲۵ فصل نخست: فرهنگ جهاد در صدر اسلام

۳۰ هجرت

۳۲ قتال

۳۴ جهاد

۳۷ جهادی دیگر

۳۹ فرهنگ جهاد در عصر ائمه معصومین

۴۱ شبیه جهاد



|   |     |
|---|-----|
| فصل دوم: فرهنگ جهاد بعد از انقلاب اسلامی                | ۴۳  |
| مفاهیم محوری انقلاب اسلامی                              | ۴۵  |
| استقلال؛ مغز استقلالی، مغز استعماری                     | ۴۶  |
| آزادی در چهارچوب شرع و قانون                            | ۵۳  |
| عدالت؛ جریان قوانین الهی                                | ۵۵  |
| رابطه استقلال، آزادی و عدالت                            | ۵۷  |
| جهاد و اهداف انقلاب                                     | ۵۸  |
| از خلق ایده تا نهادینه شدن جهاد                         | ۶۱  |
| ایده جهادسازی   | ۶۲  |
| - جهادسازی محصول ایده‌ای دانشجویی                       | ۶۳  |
| - خلق ایده در مواجهه با موضوع امنیت                     | ۶۴  |
| - انقلاب اسلامی و امکان خلق ایده                        | ۶۹  |
| نهادینه شدن جهادسازی                                    | ۷۲  |
| - کشاکش جهاد؛ جهاد دولتی یا جهاد مردمی؟                 | ۷۲  |
| - تجلی توسعه مفهومی جهاد در جهادسازی                    | ۷۵  |
| - تصویب اساسنامه؛ بارقه تحریف                           | ۷۸  |
| جهادی بودن به مثابه یک سبک زیستن (واقعیتی نهادی)        | ۸۲  |
| - محبت انقلاب   | ۸۳  |
| - معنویت اجتماعی  | ۸۳  |
| - تعهد و تخصص   | ۸۴  |
| - تمرکززدایی  | ۸۵  |
| - هدف‌گرایی   | ۸۶  |
| - بازمهندسی فرایندها                                    | ۸۶  |
| - مدیریت در صحنه  | ۸۷  |
| - کار جمعی و تکیه بر مردم                               | ۸۷  |
| شتاب‌دهنده‌های جهادسازی                                 | ۸۸  |
| انحراف از ایده اولیه جهادسازی                           | ۹۰  |
| تغییر ایده؛ از مشارکت به تصدی‌گری                       | ۹۴  |
| بازسازی ایده جهادسازی                                   | ۹۶  |
| تولید اردوهای جهادی؛ نهاد بدیل جهادسازی                 | ۹۸  |
| - اردوهای جهادی «دبیرستان مفید»                         | ۹۸  |
| - حاج عبدالله؛ نقطه عطف اردوهای جهادی                   | ۹۹  |
| نهادینه شدن اردوهای جهادی                               | ۱۰۳ |
| - محمل اردوهای جهادی                                    | ۱۰۳ |
| حکمرانی اردوهای جهادی                                   | ۱۰۵ |
| - بسیج‌سازی بدیل جهادسازی؟                              | ۱۰۵ |
| - بسیج دانشجویی؛ شتاب‌دهنده گروه‌های جهادی ایده‌محور    | ۱۰۶ |
| تحول در اردوهای جهادی؛ از تورسم محرومیت به طبیب محرومیت | ۱۰۸ |
| ایده بدیل؛ حکمرانی سکویی فعالیت‌های جهادی               | ۱۱۳ |



|   |     |
|---|-----|
| فصل سوم؛ دلالت‌های سیاسی  | ۱۱۷ |
| دلالت‌های سیاسی جهاد در فرهنگ دینی  | ۱۱۸ |
| سیاست قتال  | ۱۱۸ |
| سیاست دفاع  | ۱۲۰ |
| سیاست استعمار   | ۱۲۱ |
| سیاست جهاد  | ۱۲۳ |
| سیاست جهاد فرهنگی   | ۱۲۴ |
| سیاست هجرت  | ۱۲۵ |
| سیاست جهاد و هجرت؛ دفاع و تدافع   | ۱۲۶ |
| سیاست هجرت جهادی  | ۱۲۷ |
| دلالت‌های سیاسی فرمان امام برای تشکیل جهاد  | ۱۳۰ |
| دلالت‌های سیاسی اساسنامه جهادسازندگی  | ۱۳۴ |
| دلالت‌های سیاسی تشکیل بسیج سازندگی  | ۱۳۵ |
| دلالت‌های سیاسی پیام نه‌بندی رهبر انقلاب  | ۱۳۹ |
| سیاست‌های جهادی در نقشه مهندسی کشور   | ۱۴۱ |
| میدان بازتولید فرهنگ جهادی و دلالت‌های سیاسی آن   | ۱۴۶ |
| «ولی نعمتان»؛ نخستین تجربه شیرین اردوهای جهادی  | ۱۵۰ |
| - آغاز مسیر   | ۱۵۰ |
| - جذبه حاج عبدالله و تجربه‌ای جدید  | ۱۵۰ |
| - اردوهای جهادی به مثابه امر فرهنگی   | ۱۵۲ |
| - ایده اردوهای جهادی  | ۱۵۴ |
| - «ولی نعمتان» و حاکمیت   | ۱۵۵ |
| «خانه طلاب جوان»؛ خودجوش در امتداد راه حاج عبدالله والی                                   | ۱۶۵ |
| - مأموریت خانه طلاب   | ۱۶۵ |
| - «خانه طلاب جوان» و حاکمیت   | ۱۶۹ |
| «بسیج دانشجویی»؛ شتاب‌دهنده «جهت» برای حمایت از ایده‌های نوآورانه و گروه‌های پایدار جهادی | ۱۷۰ |
| - امر فرهنگی  | ۱۷۰ |
| - ایده شتاب‌دهنده اردوهای جهادی   | ۱۷۴ |
| - بسیج دانشجویی و حاکمیت  | ۱۷۵ |
| مؤسسه «میقات جوانان انقلاب اسلامی»؛ جهاد برای تربیت مدیر دولت اسلامی                      | ۱۷۷ |
| - امر فرهنگی  | ۱۷۷ |
| - میقات و حاکمیت  | ۱۷۸ |
| «مضمار»؛ فرهنگ‌سازی تشکیلات اسلامی  | ۱۸۵ |
| - امر فرهنگی  | ۱۸۶ |
| - ایده مضمار  | ۱۸۸ |
| - مأموریت مضمار   | ۱۸۹ |
| - مضمار و حاکمیت  | ۱۹۰ |

کلام آخر ۱۹۷

کتاب‌نامه ۲۰۱





## پیش‌گفتار پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی



سیاست‌گذاری فرهنگی در ایران امروز، فاقد شاکله و سنتی ریشه‌دار است. آنچه موجود است، بیشتر ترجمه و مطالعه تطبیقی است و اگر در این زمینه تلاشی برای تولید دانش سیاستی به‌نحو بومی صورت گرفته باشد، اغلب به‌سوی بنیان‌های نظری سوق یافته و کمتر به مطالعه تاریخی انضمامی و بررسی ابعاد فرهنگی اجتماعی پدیده‌ها ختم شده است. ویژگی مواجهه تاریخی، تأکید بر تجربی و انضمامی بودن است و همین باعث ایجاد تفاوت و تمایز با رویکرد نظری یا ترجمه‌ای تطبیقی می‌شود. بر همین اساس، در گروه سیاست‌گذاری و مطالعات راهبردی پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی مسیری آغاز شده است که قصد دارد رخدادهای پدیده‌های فرهنگی ایران معاصر را به‌نحو تاریخی انضمامی مورد بررسی و مطالعه قرار دهد.

بخشی از سیاست‌ها و تجربیات مدیریت فرهنگی در جمهوری اسلامی در رخدادهای رویدادها، در سازمان‌های تأسیسی پس از انقلاب و همچنین برخی مسائل مانند حجاب قابل خوانش و بررسی هستند. ایده اولیه شکل‌گیری این مجموعه از کتاب‌ها و گزارش‌ها نیز همین دغدغه بوده است. قصد این بوده که تطور ایده اداره در آن رخداد یا سازمان یا مسئله مورد دقت قرار گیرد و برای این مهم لازم بود که به نقطه سفر پیدایش و تولد

موضوع پژوهش رفته و تغییرات دوره‌بندی شود. روایت تطورات یک پدیده با همه فرازونشیب و همه جزئیات و امورکلی و نسبی که بین مفاهیم، ساختارها، عناصر انسانی و رویه‌ها و فرایندها و محصولات ایجاد می‌شود، مسیر پرچالشی است که شاید آن را بتوان تجربه‌نگاری نامید؛ اما آنچه تاکنون محقق شده با یک نمونه کامل از تجربه‌نگاری فاصله دارد.

شایان ذکر است که این پژوهش‌ها از طریق بررسی اسناد و خروجی‌ها و مصاحبه با ذی‌نفعان و ذی‌نفوذان و کنشگران مانند مدیران و تصمیم‌گیران مؤثر بر رخداد مورد مطالعه یا سازمان و مسئله مورد بررسی صورت‌بندی شده است و برخی تصورات اولیه ما به‌مرور در فرایند انجام کار تغییر کرده است.

این مسیر پیش از این تجربه نشده است و طبیعی است که خروجی‌های اولیه به لحاظ کم‌وکیف قابل نقد است؛ از این رو مشتاقانه پذیرای انتقادات هستیم. لازم است کمال قدرانی را از دکتر محمد پورکیانی و دکتر سینا کله‌ر داشته باشیم که این مجموعه پژوهش در دوران حضور و مسئولیت آن‌ها در پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی طراحی و اجرا شده است.

### **محسن دنیوی**

مدیر گروه سیاست‌گذاری فرهنگی پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی



## پیش درآمد



انقلاب اسلامی سرآغاز تفکری جدید بود؛ اما نه به آن معنا که با حدوث چنین رخدادی، تمامی ساختارهایی که مشروعیتشان را از ساختارهای فرهنگی و اجتماعی و علمی می‌گرفتند، لزوماً متحول شده باشند. انقلاب اسلامی رخدادی برای شروع یک حرکت بود. حرکتی اجتماعی که میل به تغییر را طلب کرده بود. جامعه ایران با اینکه از سنگلاخ‌های مسیر حرکت خود چندان اطلاعی نداشت؛ اما اراده‌ای معطوف به تغییر داشت و به دنبال عهدی جدید بود.

انقلاب اسلامی مفاهیم دینی را در سیاق جدیدی به خدمت گرفت. مفاهیمی که شاید تا دیروز و در همان بستر و فرهنگ، معنای مشخص و روشنی داشتند؛ اما با آغاز انقلاب اسلامی، خود را در بستر جدیدی یافتند. به واسطهٔ بازخوانی امام خمینی، این مفاهیم با حفظ جوهره خود، متناسب با انقلاب اسلامی متکامل شدند؛ جهاد از جمله این مفاهیم است.

مفاهیمی مانند جهاد، برای عبور از ساحت دین و اندیشه به ساحت فرهنگ، نیازمند حلقهٔ واسطه‌اند. به دلیل استقرار حاکمیت اسلامی، این حلقهٔ واسطه عبارت است از سیاست‌هایی که مفاهیم را با رویکردهای متفاوتی به فرهنگ جامعه پیوند می‌زند. مثلاً «رویکرد اخلاقی به جهاد» می‌تواند جهاد را به مثابهٔ اخلاق ایشار معرفی کند و «رویکرد علمی به جهاد» نیز می‌تواند جهاد را به مثابهٔ جهاد علمی در فرهنگ جای‌گذاری کند. همچنین رویکردهای متفاوت به جهاد می‌تواند نهادهایی متناسب با آن رویکردها را در جامعه پدید آورد؛ مثل جهاد

دانشگاهی یا جهادسازندگی. این نهادها نیز می‌توانند در قامت یک سازمان جلوه‌گر شوند یا نشوند. با توجه به آنچه بیان شد، برای رسیدن از جهاد به معنای «مفهومی موجود در متون دینی» به جهاد به معنای «یک نهاد و یا سازمان اثرگذار اجتماعی» یا جهاد به معنای «یک فرهنگ عمومی» باید مسیری طولانی طی شود. در این میان، قاعدتاً حاکمیت مستقر در سطوح گوناگون به واسطهٔ مداخلات خود به‌گونه‌ای بر بازتولید این فرهنگ در ساحات گوناگون جامعه تأثیرگذار است. بنابراین، فرهنگی که ساخته می‌شود با سنخ‌آرمانی آن از آنچه فرهنگ جهادی<sup>۱</sup> می‌نامیم، نسبتی ایجاد می‌کند. فارغ از اینکه گسترهٔ حاکمیت را در چه سطحی در نظر بگیریم، به روش مواجههٔ حاکمیت با امر فرهنگی، سیاست فرهنگی می‌گوییم. نوع مواجههٔ حاکمیت (با ملاحظهٔ اختلاف سطوح) با این فرهنگ نوپا، سیاست‌هایی را تولید می‌کند؛ البته این مواجهه اولاً، لزوماً فعال نیست<sup>۲</sup> و ثانیاً، لزوماً آگاهانه نیست. در تقسیمی دیگر، سیاست‌های حاکمیت در مواجهه با موضوعات گوناگون می‌تواند مصرح<sup>۳</sup>

۱. «فرهنگ جهادی» فرهنگی است که تجلیات گوناگون جهاد در آن به‌طور تام فعلیت یافته است.

۲. «مواجههٔ فعال» به مواجهه‌ای گفته می‌شود که سیاست‌گذار در آن مداخلهٔ مستقیم دارد؛ مثلاً قانون وضع می‌کند، چه موافق و چه مخالف. «مواجههٔ غیرفعال» مواجهه‌ای است که سیاست‌گذار قانون وضع نمی‌کند؛ مثلاً ممکن است در قبال موضوعی بی‌تفاوت باشد یا اصلاً آن را نشناسد.

۳. «سیاست‌های صریح» به سیاست‌هایی گفته می‌شود که به‌صراحت در اسناد یا قوانین یاد شده‌اند. «سیاست‌های ضمنی» نیز سیاست‌هایی هستند که به‌صراحت در اسناد و قوانین بیان نشده‌اند، ولی مانند قانونی نانوشته، به آن‌ها عمل می‌شود.

یا ضمنی باشند. سیاست‌های ضمنی بیشتر در لایهٔ گفتمانی پیگیری می‌شوند و سیاست‌های مصرح بیشتر در قوانین و اسناد حاکمیتی ردگیری می‌گردند. می‌توان یکی از تجلیات فرهنگ جهادی را اردوهای جهادی دانست؛ پدیده‌ای فرهنگی که آثار اجتماعی و فردی چشمگیری داشته و پدیده‌ای نو و بی‌مانند است که خود را به‌مثابهٔ تجربه‌ای موفق نشان داده است. بیان موفق بودن تجربهٔ اردوهای جهادی نیازمند ارائهٔ دلایل پیچیدهٔ علمی نیست. آثار مثبت این پدیده چنان ملموس است که بسیاری از خبرگان به این امر اذعان می‌کنند. استفاده از این الگو برای حل بسیاری از بحران‌ها، مثل سیل و زلزله و آتش‌سوزی، گواه روشنی بر موفقیت این تجربهٔ فرهنگی است. با این حال، گروه‌های جهادی بسیاری نیز وجود دارند که تأثیر زیادی بر محیط و مخاطب خود داشته‌اند و گروه‌های موفق به‌شمار می‌روند.

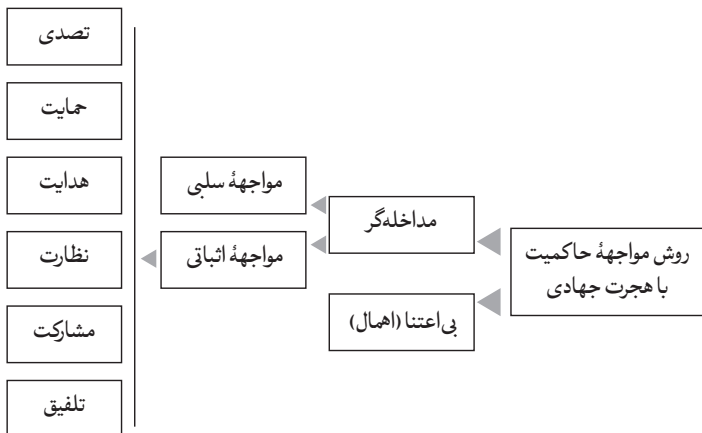
تفکیک اردوهای جهادی از دیگر فعالیت‌های جهادی کار چندان آسانی نیست؛ شاید اساساً کاری اشتباه باشد، زیرا در اردوهای جهادی اردو موضوعیت چندانی ندارد؛ البته وقتی به منشأ اردوهای جهادی توجه می‌کنیم، علت این نام‌گذاری بیشتر برای ما روشن می‌شود. این امر در تغییر مدل فعالیت‌های جهادی نیز روشن است؛ برای مثال، بسیج دانشجویی اردوهای را با عنوان «اردوهای جهادی حاشیه تهران» برگزار می‌کند که اساساً مفهوم اردو را بی‌معنا کرده است. این سنخ فعالیت‌های جهادی برای از بین بردن آسیب‌های اجتماعی، همچون حاشیه‌نشینی، در حال توسعه است.

واژهٔ اردو با معنای امروزی آن در ترکیب اردوهای جهادی، سنخیتی با واژه و مفهوم جهاد ندارد؛ به همین دلیل، چندان تمایلی ندارم که از این واژه بسیار استفاده کنم. صرفاً به دلیل کثرت استعمال از این واژه استفاده کرده‌ام. مفهوم هجرت تناسب بیشتری با مفهوم جهاد دارد. مهم‌ترین دلیل برای نبود سنخیت، مفهوم اردوست که امروزه به معنای گردشگری و تفریح گره خورده است. شاید

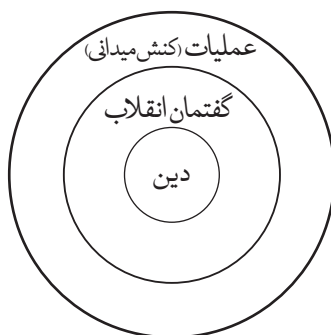
این تلقی نگارنده شمرده شود؛ اما چنین نیست. مجموعه مقالاتی وجود دارد که به اردوهای جهادی با کلیدواژه گردشگری حامی فقرا اشاره می‌کند (منوچهر جهانیان و ابتهال زندی، ۱۳۸۹، بهرامیان و دیگران، ۱۳۹۳). این مفهوم به این معناست که فرد یا افرادی به گردش و تفریح می‌روند و در ضمن گردش، به فقرا نیز کمکی می‌رسانند. در ادامه، خواهیم گفت که چنین تلقی‌ای از فعالیت‌های جهادی اساساً گم‌کردن راه است. برای واژه اردو در فرهنگ‌نامه‌های زبان فارسی معانی دیگری نیز گفته شده است که به‌نظر متناسب بیشتری با جهاد دارد. با این حال، اراده کردن آن‌ها چندان درست به نظر نمی‌رسد. برای مثال، فرهنگ عمید «اردو» را این چنین معنا کرده است: محل اقامت سپاهیان یا گروهی از سپاهیان با تمام لوازم که به جانی فرستاده می‌شوند. این معنا تناسب بیشتری با مفهوم جهاد دارد؛ اما مشکل آن است که خاستگاه اردوهای جهادی، اردوهای دانش‌آموزان دبیرستانی بوده است و همین امر و آنچه درباره گردشگری حامی فقرا بیان شد، این تلقی از اردو را تاب نمی‌آورد.

فرهنگ جهادی می‌تواند در قالب هجرت جهادی متجلی شود. هجرت جهادی مفهومی است که مستقیماً از متن دین برگرفته شده است. این مفهوم برگرفته از آیه شریفه قرآن است: {إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ} (بقره: ۲۱۸) (کسانی که ایمان آورده‌اند و کسانی که هجرت کرده‌اند و در راه خدا جهاد نموده‌اند، آن‌ها امید به رحمت پروردگار دارند و خداوند آمرزنده و مهربان است). این آیه درباره کسانی است که به امید رحمت پروردگار برای جهاد هجرت می‌کنند. این معنا از «هجرت» برای «جهاد» مناسبت بیشتری با واقعیت اردوهای جهادی دارد؛ برخلاف گردشگری و تفریح مصطلح. به همین دلیل، بهتر است به جای «اردوی جهادی» از کلمه هجرت جهادی استفاده کنیم. در این صورت، مراد از هجرت جهادی، عزیمت از وطن و مسکن برای تلاش و کوشش فی سبیل الله است.

هجرت جهادی به یکی از تجلیات فرهنگی امروز ما تبدیل شده و نگاه مثبتی را نیز ایجاد کرده است. چنان که گفته شد، ممکن است حاکمیت در مواجهه با این تجلی فرهنگی، موضعی از خود بروز دهد. این موضع یا سیاست بی‌اعتنایی (اهمال) است یا مداخله‌گر. اگر سیاست مداخله‌گرانه باشد، یا سیاست ممانعت است یا ممانعت نیست. اگر ممانعت نباشد، این سیاست یا تصدی‌گری است یا مشارکت یا حمایت یا هدایت یا نظارت. البته مانعی نیست که تلفیق از این چند سیاست هم باشد. «تصدی‌گری» به این معناست که حاکمیت متصدی انجام کل فعالیت شود. «مشارکت» به معنای انجام کار به صورت شراکتی و همکارانه است. «حمایت» به معنای پشتیبانی مادی و معنوی از انجام کارهاست. «هدایت» به معنای مشخص کردن مسیر حرکت برای انجام کار است. «نظارت» نیز به معنای ارزیابی روش و نتایج کار است. در سیاست تلفیق، ممکن است دو یا چند سیاست، بسته به نوع کار، اعمال شود؛ برای مثال، در یک فعالیت هم حمایت و هم نظارت اعمال شود.



روش مواجهه لایه‌های گوناگون حاکمیت با این تجلی فرهنگی نیز می‌تواند مختلف باشد. متناسب با لایه دین و لایه گفتمان و لایه عملیات، می‌توان سیاست‌ها را کشف کرد و نشان داد؛ چه مصرح باشند و چه ضمنی. مراد از «لایه دین» صورت‌بندی مفاهیم در بستر دین است. مراد از «لایه گفتمان» ارزش‌های بنیادین زمانه‌ای خاص است؛ مثل انقلاب اسلامی. مراد از «لایه عملیات» نیز سیاست‌های اعمالی بر هجرت جهادی (اردوهای جهادی) است. عامل همه این سیاست‌ها «حاکمیت» است؛ اما محتوای سیاست با توجه به لایه‌ای که این سیاست‌ها را از آن برمی‌گیریم، متفاوت می‌شود.



برای مثال، در لایه دین، مفهوم جهاد مفهومی اساسی است که در بستر دین متولد شده است. دلالت‌های سیاسی متناسب با آن بستر ایجاد می‌شود که در این لایه، آن سیاست‌ها مدنظر و در مرکز توجه قرار می‌گیرد. در لایه گفتمان انقلاب اسلامی، تجلی جهاد در امر سازندگی، فرهنگی و... در مرکز توجه است. قاعدتاً تفاوت با دیگر گفتمان‌های رقیب باید در این لایه نمایان شود. در لایه عملیات، فارغ از اینکه چه سیاست‌هایی اعلام شده است، تلاش می‌شود به سیاست‌های اعمالی (سیاست‌هایی که به فعلیت رسیده است) توجه شود و آن‌ها در مرکز توجه قرار گیرد.

بنا بر آنچه گفته شد، تلاش می‌شود روش مواجهه حاکمیت با هجرت‌های جهادی، به صورت تاریخی کشف شود. پرداختن به این موضوع از آن رو با اهمیت است که می‌توان نوع مواجهه حاکمیت با هجرت جهادی، به عنوان تجربه فرهنگی نسبتاً موفق انقلاب اسلامی را به مثابه الگویی بررسی شدنی و احیاناً تعمیم‌دانی، درک و آن را از جنبه‌های گوناگون نظری بررسی کرد. اساساً این امر برای کنش‌های میدانی هجرت جهادی نیز ضروری است؛ زیرا می‌توان درباره روش مواجهه حاکمیت با هجرت جهادی خودآگاه شد و با این آگاهی، روابط خود با حاکمیت را تنظیم کرد.

### پیشینه‌نگاری

به دلیل سابقه کم فعالیت‌های جهادی، ادبیاتی غنی در این زمینه وجود ندارد. بیشترین تولیدات علمی پژوهشی در زمینه امور جهادی درباره «مدیریت جهادی» است. جامعه علمی کشور توجه چندانی به موضوع اردوهای جهادی ندارد؛ درحالی‌که می‌توان آن را در ساحت‌ها و با رویکردهای گوناگونی به‌طور علمی بررسی کرد. با این حال، کتاب‌ها و مقالات و پایان‌نامه‌هایی در این زمینه منتشر شده است. کتاب‌های نوشته‌شده درباره اردوهای جهادی غالباً خاطره‌نگاری‌اند؛ مثل ماه‌عسل مجردها، آخر دنیا، در کوچه‌پس‌کوچه‌های جهاد و سفر به جزیره ناشناخته. از مقالات علمی منتشرشده می‌توان به مقاله «کارکردهای سیاسی و اجتماعی اردوهای جهادی» اشاره کرد که کارکردهای اردوهای جهادی در دو ساحت سیاست و اجتماع را بررسی کرده است. این کارکردها با روش «نظریه داده‌بنیاد» تحلیل شده است (حسین‌زاده، ۱۳۹۵). در مقاله «کارکردهای اجتماعی انقلاب اسلامی: مطالعه اردوهای جهادی» (اصغر افتخاری و احمد حسین‌زاده، ۱۳۹۵) نیز اردوهای جهادی به شکل مطالعه موردی و فقط در ساحت کارکردهای اجتماعی بررسی شده است. نویسنده مقاله «تعیین و اولویت‌بندی عوامل کلیدی موفقیت

در اردوهای جهادی سازمان بسیج دانشجویی» نیز در پی تعیین و اولویت بندی عوامل کلیدی موفقیت در اردوهای جهادی است. این عوامل به روش اسنادی استخراج شده و از سوی نخبگان و با استفاده از پرسش نامه، اولویت گذاری شده اند. مقاله دیگری با عنوان «معرفی الگوی علمی شناسایی مناطق بسیار محروم در جهت هدفندسازی نظام حرکت های جهادی (مطالعه موردی: استان بوشهر، شهرستان دشتی)» در پی ارائه الگوی علمی برای هدفندکردن حرکت های جهادی است. این مقاله الگویی را برای کشف محروم ترین مناطق در استان ارائه می دهد تا تمرکز فعالیت های جهادی بر آن باشد. مقاله یاد شده تنها به وجه محرومیت زدایی اردوهای جهادی توجه کرده است (زارعی و رحمانیان کوشکی، ۱۳۹۹). چندین مقاله نیز به اردوهای جهادی از منظر گردشگری توجه کرده اند که به نظر می رسد این نوع نگاه به اردوهای جهادی، تقلیل مفرط این فعالیت است؛ مقالاتی همچون: «اردوهای جهادی، الگوی ایرانی گردشگری حامی فقرا» (زرنیدیان، امین بیدختی و شالبافیان، ۱۳۹۳) و «گردشگری حامی فقرا، راهکاری جهت کاهش فقر در مناطق روستایی» (بهرامیان و دیگران، ۱۳۹۳). بررسی مجموعه مقالات نشان می دهد که اساساً توجه علمی چندانی به این پدیده نشده و در برخی موارد نیز از هدف اصلی خود منحرف شده است.<sup>۱</sup>

در میان پایان نامه های نوشته شده در سطح کشور، پایان نامه هایی انگشت شماری در این حوزه نوشته شده است.<sup>۲</sup> برای نمونه، چهار پایان نامه ثبت شده عبارت اند از: ۱. مجید صادقی، «بهبودسازی الگوی اردوهای جهادی، مبتنی بر نظریه برنامه ریزی منطقه ای»، استاد راهنما: حجت الله عبدالملکی، استاد مشاور: مهدی

۱. جست و جوی های انجام شده غالباً در پایگاه های «نورمگز» و «علم نت» بوده است. کلیدواژه های جست و جوشده عبارت بودند از: «اردوهای جهادی»، «حرکت های جهادی»، «گردشگری حامی فقرا»، «فعالیت های جهادی» و «مدیریت جهادی».

۲. جست و جو با سامانه «گنج».

صادق شاهدانی، دانشگاه امام صادق، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد؛  
 ۲. روح‌اله دارابی، «تأثیر اردوهای جهادی بر سرمایه اجتماعی استان  
 سیستان و بلوچستان»، استاد راهنما: مهدی محمدی، استاد مشاور: مهدی نصر،  
 دانشگاه پیام نور اصفهان، مرکز پیام نور شاهین شهر؛  
 ۳. زینب جهانی‌پور، «بررسی جامعه‌شناختی آسیب‌شناسی تأثیرات بانوان  
 جهادگر در اردوی جهادی بر بانوان روستایی (مطالعه موردی: بانوان ۱۵-۴۵  
 ساله روستای جهان‌آباد بروجرد)»، استاد راهنما: غلام‌رضا تاجبخش، استاد  
 مشاور: رضا کاوند، دانشگاه آیت‌الله‌العظمی بروجردی، دانشکده علوم انسانی؛  
 ۴. محسن لبخندقی، «طراحی فرایند مدیریت فعالیت‌های جهادی»، استاد  
 راهنما: اصغر خندان، استاد مشاور: مصباح‌الهدی باقری‌کنی، دانشگاه امام  
 صادق، دانشکده فرهنگ و ارتباطات.

تمام سابقه پژوهش درباره اردوهای جهادی در این سنخ کارها خلاصه شده  
 است. رویکرد اغلب تولیدات علمی درباره موضوع جهاد، در رویکرد مدیریتی به  
 جهاد متمرکز است. پژوهشی را نیافتیم که درباره مسائل سیاسی باشد؛ اعم از کشف،  
 فرایند، تدوین، اجرا و نظارت بر سیاست. بنابراین، اگرچه سیاست‌پژوهی را می‌توان  
 در مقوله دانش مدیریت قرار داد، منظور از «سیاست» توجه به خط‌مشی‌ها است.  
 برخلاف «مدیریت» که منظور از آن، «اداره در سطح سازمان» یا «عملیات»<sup>۲</sup> است.

## هدف روایت جهاد

این کتاب روایت تاریخی سیاست فرهنگی جهاد است. سیاستی که با اسلام  
 متولد شد و در انقلاب اسلامی بسط و توسعه پیدا کرد. جهاد اگرچه با فرهنگ  
 اسلامی متولد شد، ظرفیتی عظیم دارد که تاریخ مجرای تجلی آن است.

در این کتاب می‌کوشم نشان دهم در بستر تاریخ، مفهوم جهاد چگونه خود را در مدینه اسلامی متجلی می‌کند؛ گاهی با قتال پیوند شدیدی پیدا می‌کند و به جنگ با کفار و مشرکان و منافقان می‌انجامد، گاهی خود را در تربیت نفس و سیروسلوک به نمایش می‌گذارد و جهاد نفس سر بر می‌آورد، و گاهی در مبارزه با بیماری و جهاد سلامت نمود می‌یابد.

### روش روایت جهاد

این کتاب را با روش تاریخ فرهنگی نگاشته‌ام. منظور از «تاریخ فرهنگی» روشی است که فرهنگ به مثابه موجودی بررسی می‌شود که معانی را ایجاد و با آن‌ها نسبت برقرار می‌کند و در تلاش است آن‌ها را به کمک نمادها و مناسک و اسطوره‌ها در تاریخ توسعه دهد. اندیشه حکمی برای تعلقات عقلانی انسان دو ساحت قائل است: ساحت عمل و ساحت نظر. در ساحت نظر، عقل سعی می‌کند عالم تکوین را بیابد و کشف کند. در ساحت عمل، برخلاف ساحت نظر، عقل عالمی متناسب با اراده‌اش می‌سازد. به تعبیر دیگر، «انسان در علوم نظری بیننده و شنونده حقیقت است و در علوم عملی، خلاق و آفریننده آن. علوم نظری برای فهم واقعیت است و علوم عملی جهت خلق واقعیت» (پارسانیا، ۱۳۹۱: ۳۴).

تاریخ فرهنگی گونه‌ای از تاریخ است که موضوعش انسان به مثابه سازنده معانی است. معانی‌ای که در میان مردم مشترک و به نوعی بین‌الذهانی شده است. مردم با این نظام معنایی زندگی می‌کنند و تمام کنش‌ها و کردارهای خود را با آن معانی سامان می‌دهند. نظام‌های معنایی امر متصلب و سخت نیستند و برخلاف عالم جمادات، بسیار منعطف‌اند؛ اما انعطاف آن در بستر تاریخ روشن می‌شود. وقتی جامعه‌ای خود را به نظامی معنایی گره می‌زند، به آن معنا نیست که همیشه ذیل آن نظام فرهنگی خواهد زیست؛ بلکه با تغییر گرایش‌ها و امیال و ارزش‌ها،

نظام فرهنگی به مرور دستخوش تغییر خواهد شد. در این نوع از تاریخ‌نگاری، امر فرهنگی به صورت امری زمانمند ملاحظه می‌گردد. مطالعه امر فرهنگی در بستر زمان، تاریخ‌نگاری فرهنگی است. این عرصه مطالعه به صرف وقایع در بستر زمان توجه نمی‌کند؛ بلکه به وقایع در بستر معانی مولد آن‌ها توجه می‌کند (احمدی، ۱۳۹۸: ۲۰۴). از این رو، تاریخ فرهنگی دو ویژگی مهم دارد: اولاً، مبنای حرکت در آن فرهنگ است، نه تاریخ؛ ثانیاً، دغدغه اصلی آن حال است، نه گذشته.

در این روش، برای فهم و صورت‌بندی نظام معنایی موجود، بیش از آنکه به وقایع به صورت محض توجه شود، به تفسیر واقعیات و درک آن وقایع در زمینه آن‌ها توجه می‌شود تا از خلال آن‌ها، نظام معنایی فهم شود. به همین دلیل، در این پژوهش از روش‌های کیفی بهره می‌برم؛ زیرا تعمیق در این سنخ پژوهش‌ها و درک معانی اهمیت فراوانی دارد. این روش پژوهش «پژوهشی میان‌رشته‌ای» است؛ بنابراین، برای درک معانی می‌توان از علوم دیگر نیز بهره جست (مقدمه مترجمان (برک، ۱۳۸۹: ۲۰-۲۱)).

یکی از نکاتی که باید بیان کنم، تفاوت میان تاریخ فرهنگ و تاریخ فرهنگی است. تاریخ فرهنگ، فرهنگ را به مثابه یک کل می‌بیند و به اجزای فرهنگ توجه ندارد. در این نگاه به پدیده فرهنگ از مجرای تاریخ نگاه می‌شود و به علل و ریشه‌های شکل‌گیری آن چندان توجهی نمی‌شود؛ یعنی همان طور که به تاریخ صنعت یا تکنولوژی نگاه می‌شود. در صورتی که در تاریخ فرهنگی، فرهنگ به مثابه امری مستقل دیده می‌شود و نه وابسته. تاریخ فرهنگی بیش از آنکه به فرهنگ غالب توجه داشته باشد، به نحوه شکل‌گیری معنا در جامعه و پیوند و گسست مردم با آن معانی توجه دارد. تاریخ فرهنگی امری ازپیش‌تعیین‌شده و مسیری روشن ندارد؛ بلکه باید با تحلیل معانی، نمادها، نشانه‌ها و... حرکت معانی را در بستر زمان نشان داد. تاریخ فرهنگی به دنبال روح زمانه نیست؛ بلکه به گسست‌ها و تفاوت‌ها نیز اهمیت می‌دهد (همان: ۲۵-۲۷).

یکی از ویژگی‌های مهم تاریخ فرهنگی که باید به آن توجه کرد، دقت به عملکردهاست. برای مثال، به جای بحث دربارهٔ الهیات باید به اعمال دینی توجه کرد (همان: ۹۳). این امر باعث تغییر در عطف توجه از تفسیر عقاید ذهنی به کنکاش در معنای ایجادشده از سوی کنش‌ها می‌شود. این تغییر نگرش تاریخ فرهنگی بیش از اینکه بازنمایی معنا باشد، به برساخت معنا نزدیک می‌شود. تاریخ سیاست فرهنگی نیز دلالت‌های سیاستی معنای ایجادشده در بستر تاریخ است؛ بنابراین، تاریخ سیاست فرهنگی، تاریخ فرهنگی و دلالت‌پژوهی سیاستی است. دلالت‌ها در نسبت با معانی تولیدشده سربرمی‌آورند و معنا می‌یابند؛ جایی که حاکمیت و فرهنگ در نقطه‌ای تلاقی می‌کنند.

«دای» برای تحلیل سیاست‌ها مدل‌های گوناگونی ارائه کرده است (Dye: ۲۰۱۷). این مدل‌ها ناشی از چگونگی انتخاب سیاست در انبوهی از سیاست‌هاست. در یک تقسیم‌بندی کلی، مدل‌های انتخاب سیاست به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: مدل‌هایی که انتخاب سیاست را ناشی از فرایندی عقلانی می‌دانند؛ مدل‌هایی که انتخاب سیاست را ناشی از روابطی واقعی در میدان عمل می‌دانند. در دسته اول، سیاست‌های اتخاذشده ناشی از تلاش عقلانی مرجع اقتدار برای حل مسئله‌ای اجتماعی است؛ اما در دسته دوم، این سیاست‌ها ناشی از به تعادل رسیدن ارادهٔ صاحبان قدرت و ذی‌نفعان و بازیگران مؤثر اجتماعی و سیاسی است (Smith and Smit, ۲۰۰۹: ۲۷). تمرکز در این کتاب بر تحلیل و انتخاب و فرایند سیاست‌گذاری نیست؛ بلکه بر «محتوای سیاست» است.

سیاست در بستر دین، نزاع برای حداکثرکردن سود عمومی یا به تعادل رساندن اصحاب قدرت نیست. نگاه دینی از آنجایی که قائل به وجود حقیقتی الهی و فرازمانی و فرامکانی است، پیش از «انتخاب سیاست» مرحلهٔ دیگری را برای ما تصویر می‌کند که در آن، سیاست‌ها متناسب با حقیقتی ربانی فهم می‌شوند؛ اگرچه به مرحلهٔ تکثر و انتخاب نرسیده باشند. بنابراین، پیش از رسیدن به

مرحله انتخاب سیاست، معانی در بستر تاریخ تجلی می‌یابند و در نسبتی تاریخی با حقیقت الوهی قرار می‌گیرند. در روایت جهاد، سه گفتمان یا بستر تفکیک‌شدنی وجود دارد: گفتمان دین؛ گفتمان انقلاب اسلامی؛ میدان کنش. می‌توان نشان داد که سیاست‌های اردوهای جهادی در امتداد دلالت‌های سیاسی ناشی از گفتمان دینی‌اند که در بستر زمان و مکان تعین یافته‌اند. این امر به آن معناست که در متن فعالیت جهادی، هسته‌ای وجود دارد که به حقیقتی ربانی ارجاع دارد و پوسته‌ای که ناشی از واقعیت‌های زمانی و مکانی است. این هسته در تمام فعالیت‌های جهادی حضور دارد. جهادی بودن یک فعالیت اساساً وابسته به آن هسته مرکزی است.

در این کتاب، با کنکاش در اسناد و مصاحبه با نخبگان این حوزه و استفاده از تجربه‌های مشارکتی، می‌کوشم به کمک روش «دلالیت پژوهشی»<sup>۱</sup> دلالت‌های سیاسی در لایه‌های بیان‌شده را به دست آورم. این نوع دلالیت پژوهشی از سنخ «دلالیت پژوهشی برایشی» است (دانایی فرد، ۲۰۱۶: ۵۰). در این سنخ دلالیت پژوهشی، می‌کوشم دلالت‌های منابع در موضوع هجرت جهادی (اردوهای جهادی) در لایه‌های بیان‌شده به دست آورم. به این صورت که پرسش‌های مدنظر را به منابع ارجاع می‌دهم و می‌کوشم منابع را برای پاسخ‌گویی برشمارم. در لایه اول، برای به دست آوردن دلالت‌ها از روش تفسیر نیز بهره برده‌ام. در لایه دوم، برای دلالیت پژوهی بیشتر از تحلیل اسناد استفاده کرده‌ام. در نهایت، در لایه سوم کوشیده‌ام با مصاحبه عمیق و تحلیل آن‌ها، دلالت‌های سیاسی را استخراج کنم. می‌توان گفت منطق این کتاب برای پاسخ به پرسش‌ها «منطق استفهامی» است.<sup>۲</sup> چنان‌که بیان شد، در پایین‌ترین لایه (لایه عملیات) کوشیده‌ام با استفاده

۱. دکتر دانایی فرد این روش را معرفی کرده است.

۲. برای اطلاع بیشتر از این منطق‌ها به کتاب طراحی پژوهش‌های اجتماعی نوشته نورمن بلیکی مراجعه کنید.

از مصاحبه‌های انجام‌شده با نخبگان گروه‌های موفق جهادی که بیشترین تأثیر فرهنگی و اجتماعی را بر میدان عمل خود داشته‌اند، سیاست‌های مصرح و ضمنی را کشف کنم. انتخاب مصاحبه‌شوندگان در ابتدا به شکل انتخاب هدفمند بود و در ادامه، به صورت روش گلوله‌برفی انجام شد.

### روایت هجرت جهادی

در این کتاب می‌کوشم روایتی تاریخی از تولد مفهوم جهاد و دلالت‌های سیاستی آن و همچنین تحول آن در بستر زمان تا دوران کنونی را ارائه کنم. این کتاب دو بخش اساسی دارد: در بخش اول، لایه اول و دوم را بیان می‌کنم؛ یعنی گفتمان دین و گفتمان انقلاب اسلامی. در این بخش، ابتدا به تولد مفهوم جهاد و تحولات ابتدایی این مفهوم در بستر تاریخ اسلام توجه می‌کنم؛ البته در این زمینه کار اصلی بر عهده پژوهشگران علوم تاریخ، حدیث، تفسیر و... قرار دارد و در این کتاب تنها برداشت مختصری از تولد و تکون این مفهوم را می‌گویم. سپس این مفهوم را در بستر گفتمان انقلاب اسلامی بررسی می‌کنم. در این بخش به انگیزه‌ها، گفتارها، فعالیت‌ها و بستر انقلاب بیشتر توجه می‌کنم و نشان می‌دهم این مفهوم در گیرودار دولت‌ها و اشخاص و نهادها چگونه بروز می‌کند. بخش دوم کتاب درباره دلالت‌های سیاستی است. نشان می‌دهم معانی به‌ظهوررسیده در بستر تاریخ چه دلالت‌هایی را اقتضا می‌کنند. در این بخش به لایه سوم توجه کرده‌ام؛ یعنی میدان عملیات. با نشستن پای صحبت کسانی که به‌طور مستقیم با این سنخ فعالیت‌ها مرتبط‌اند، این دلالت‌ها را کشف کرده‌ام.

امیدوارم این کتاب آغاز راهی برای خودآگاهی درباره سیاست‌ها و فعالیت‌ها و کنش‌های نیروهای انقلابی و حاکمیت باشد؛ راهی که اگرچه صعب و پرپیچ‌وخم است، افق‌های جدیدی پیش روی انقلاب اسلامی باز می‌کند.